

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه
۲۱ مارچ ۲۰۲۳



یونس نگاه

نوروز و سنت‌های پویا



در آستانه نوروز دوست داریم شعر دکلمه کنیم، قصه بگوئیم و تفریح کنیم. عده‌ای از ما چنان حسی دارند که گویا پس از یک سال دوری، به نازنین‌ترین‌های زندگی خود نزدیک می‌شوند. در چنین حال، عقل حسابگر کنار می‌نشیند و عواطف از تمام حجرات آدم زبانه می‌کشد. تصور کنید سربازی که پارسال از ترس انتقام طالب قاچاقی گریخته و ماه‌ها در حاشیه‌های مشهد یا پیشاور با کار شاقه و ترس پولیس به سر برده است، اگر امروز احساس کند که فردا همسرش تکیده و رنج‌کشیده، اما خندان و امیدوار از کابل می‌آید، آیا او چه حال خواهد داشت؟ آن کارگری که در ماه آگست ۲۰۲۱ تاکسی خود را در ایستگاه میدان هوایی کابل رها کرده سوار طیاره‌ای شد تا او را از ترس طالب و رنج

گرسنگی دور کند و آنگاه ماه‌ها در کمپ‌های قطر دوری و تنهائی کشیده عاقبت به گوشه‌ای از دنیا افتاده که نه زبانش را می‌فهمد، نه با طعم غذایش و نه با آب‌وهوایش آشنا است، اگر او خبر شود که فردا پدر و مادرش، برادر و خواهرش، یا زن و فرزندش به او می‌پیوندند، چه حال خواهد داشت؟ شاید احساساتی شود، ولی به احتمال زیاد از فابریکه‌ای که تازه در آن کار یافته، رخصتی نخواهد گرفت تا بنشیند و برای آمدن عزیزانش ترانه بخواند. او با وضعیت اقتصادی که دارد، احتمالاً ترجیح می‌دهد که بیشتر بتپد و نان و آب بیشتر تهیه کند تا پذیرائی مناسب‌تر انجام دهد. وضعیت عمومی ما نیز چنین است. حتا در روزهای نوروز و میله‌های بهاری نیاز داریم تا به سرنوشت مشترک خود ببیندیشیم، به درک سنت‌ها و مشترکات فرهنگی خود ببیندیشیم و راهی برای بیرون‌رفت بجوئیم. از این رو به جای شریک کردن شعرهای زیبا و تمجیدهای ادبی، امروز نیز با آن‌که بسیار میل ترانه شنیدن و از گل و بلبل گفتن داریم، از رابطه ما با نوروز و نقش آن در جامعه می‌نویسم.

نوروز یادگار زمانی است که انسان با طبیعت دست‌به‌یخن‌تر و در عین حال نزدیک‌تر از امروز بود. هنوز غرور پیروزی بر طبیعت چشم آدم‌ها را کور نکرده بود. غرش ماشین‌ها و دود فابریکه‌ها حواسش را از محیط نکنده بود. زمانی که انسان‌ها از خشم طبیعت هراس داشتند، از مهرش به هیجان می‌آمدند، از سرما و گرمایش حساب می‌پردند و به رضایتش می‌کوشیدند. پریدن از آتش، سمنک جوش‌دادن و کفچه‌زدن، خانه‌تکانی، سبزه رویاندن، ترانه‌خوانی، به تپه‌ها و چمن‌زارها رفتن، سفره هفت‌میوه پهن کردن و دایره زدن، اجزای منظومه کلان مراسم، باورها و رفتارهایی است که از دوران‌های همزیستی با محیط به میراث مانده است. رفتار دوراندیشانه با آب، خاک، هوا و نبات هسته آن منظومه را می‌ساخت. نشانه‌هایی از آن رفتار در روستاهای زمان کودکی ما وجود داشت. آنجا آتش جایگاه ویژه داشت، با آب به احتیاط بسیار رفتار می‌شد، از جمله می‌گفتند قضای حاجت نزدیک و یا درون آب کاری زشت است و بسیار گناه دارد. صحنه‌هایی که در کنار دریای کابل امروز می‌بینیم، در آنجا به چشم نمی‌خورد. خاک را عزیز می‌داشتند و حتا آن را پاک‌کننده می‌دانستند. با حشرات و پرنده‌ها چون موجودات زاید رفتار نمی‌شد و تا زمانی که خطری از آن‌ها نمی‌دیدند، دست به کشتار و نابودی عامدانه‌شان نمی‌زدند. حتا مار، اگر به کلبه‌ای وارد می‌شد، خانم‌ها می‌کوشیدند با ریختن شیر و ترفندهای دیگر بی‌آن‌که آسیب‌شان زنده، از خانه بیرون کنند. ریشه‌کنی بته و نبات تقبیح می‌شد و سوختاندن بوته‌ها و شاخه‌های سبز رفتاری ناپسند پنداشته می‌شد. بندرت اتفاق می‌افتاد که کسی درخت سرسبز اهلی یا کوهی را اره کند. اگر یکی دست به این کار می‌زد، دیگران او را نکوهش می‌کردند و به چشم انسان نادان و مجرم می‌دیدند. بزرگان حرکات آفتاب، مهتاب و ستارگان را با دقت می‌پاییدند و آدم‌ها خود را علت وجودی جهان و حاکم طبیعت نه، بلکه بخشی از آن می‌دیدند. کار جوهر مرد و زن بود و همه با آذان خروس‌ها و دمیدن روشنایی به تپیدن می‌شدند. کسی از آبله دستانش نمی‌شرمید و نان را می‌بوسیدند. جامعه صاحب سنت‌های دیرینه و بسیار آزموده‌ای بود که آدرس دینی، قومی، نژادی و محلی برایش نمی‌تراشیدند و مثل خود زندگی بدون تبلیغ و توجیه در لحظه‌های مردم جریان داشت.

امروز آنانی که در قفس‌های سمنتی، زیر پیکه و ایرکندیشن، دور از خاک و آب و باد و عرق کار، چون مرغ‌های ماشینی تربیت شده‌اند، دالر می‌شمارند و آی‌فون می‌گردانند، ادارات و دفاتری را که برای دولت مدرن ساخته شده تصاحب کرده و سوار بر موترها و تانک‌های پیش‌رفته و مسلح با ماشین‌دار و راکت‌های مدرن با نقاب دین و سنت به جنگ نوروز می‌روند، مدافعان سنت‌های پسندیده مردم نیستند، بلکه فضل‌های مدرنیته‌اند. آنان با هرچه جامعه را با گذشته‌اش وصل می‌کند، امروزش را معنا می‌دهد و برای فردا آماده می‌سازد، سر دشمنی دارند. آنان می‌کوشند جامعه را از ارزش‌های ملی، سنت‌های مردمی، داشته‌های فرهنگی، آثار باستانی و نهادها و مهارت‌های عصری لازم برای

زندگی آبرومند تهی کنند و از مردم گلهای بسازند بی‌ریشه، سر به زیر و مطیع. سنت برقع، خانه‌نشینی، دوری جستن از تفریح، سکوت در برابر ظلم، اطاعت کورکورانه، شهادت‌طلبی و نفرت از شادی نیست. سنت چون رشته‌ای برای شکل‌دهی و حفظ انسجام جامعه لازم است. گاهی این رشته نیاز به شستن دارد، زمانی از انعطاف می‌ماند و گاهی کهنه شده از هم می‌گسلد. از این رو سنت چون هر پدیده اجتماعی دیگر پایداری‌اش با پویایی و نوسازی تضمین می‌شود. نوروز یکی از ماندگارترین سنت‌های پویا و پایدار است. از نوروز بسیار می‌توان آموخت، از جمله این‌که آدم‌ها باید چون طبیعت هر سال خانه بتکانند، نو شوند و زندگی از سر گیرند، بی‌آن‌که از خود بیگانه گردند و رشته‌هائی را که دیروز و امروز و فردای‌شان را پیوند می‌دهد کنار بگذارند.

در افغانستان دموکراتیک فردا، امیدواریم همزمان با حمایت آموزش و تحقیق، سرمایه‌گذاری برای انکشاف صنایع و خدمات و تجهیز جامعه با ابزار رقابت و کار عصری، به پالودن و گردگیری سنت‌های پویا و داشته‌های فرهنگی توجه شود. دوستی با آب، آشنائی با آتش، ارج‌گزاری به خاک و احترام به حیات وحش و نباتات از سر گرفته شود. زنان و مردان از بندهائی که فضله‌های مدرنیته بافته‌اند، رها شوند و حشر عمومی برای بازسازی مادی و معنوی به راه افتد تا دیگر در جامعه ما تخلیه فاضلاب و پر کردن شکم در دسر اصلی آدم‌ها نباشد، بی‌آبی و بی‌چراغی زندگی را جهنم نسازد، دود و خاک جان آدم‌ها را نگیرد و کوچه‌های بن‌بست و جاده‌های بی‌گل و گیاه محیط را زندان نکند. برآستی بهار بی‌ترانه کی شود! به امید فردای پر از بهار و شادی و به یاد روزگاری که رفتار آدم‌ها با طبیعت دوراندیشانه‌تر بود، چند بیت از شعر معروف فرخی سیستانی را بخوانیم:

چون پرنده نیگلون بر روی پوشد مرغزار	پرنیان هفت رنگ اندر سر آرد کوهسار
خاک را چون ناف آهو مشک زاید بی‌قیاس	بید را چون پر طوطی برگ روید بی‌شمار
دوش وقت نیم شب بوی بهار آورد باد	حبذا باد شمال و خرما بوی بهار
باد گوئی مشک سوده دارد اندر آستین	باغ گوئی لعبت‌ان ساده دارد در کنار
ارغوان لعل بدخشی دارد اندر مرسله	نسترن لولوی لالا دارد اندر گوشوار

